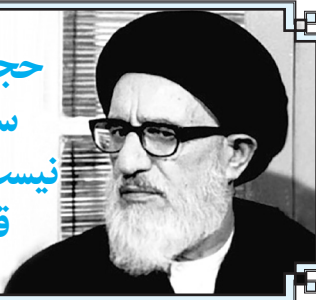


«...دعواهای ما دعوایی نیست که برای خدا باشد ... همه ما از گوشمان بیرون کنیم که دعوی ما برای خدا است ما برای مصالح اسلامی دعوا می‌کنیم... دعوی من و شما و همه کسانی که دعوا می‌کنند همه برای خودشان است...»

امام خمینی (ره) - صحیفه امام، جلد ۱۴ صفحه ۴۷۹



حجاب اسلامی
ساخته فقیه
نیست نص صریح
قرآن است



صفحه ۵

سال سی و هشتم ♦ شماره ۲۴ ♦ شماره مسلسل ۱۵۶۶ ♦ نیمه دوم اسفند ماه ۱۳۹۶ ♦ قیمت: ۵۰۰ تومان

حاشیه‌ای بر تصمیم کمیسیون نامگذاری شورای شهر تهران

لعنتِ مصدق!

خبرگزاری فارس: شاید ابتدایی ترین اشاره در این یادداشت تذکار بدین نکته باشد که «نفت» را آقای دکتر مصدق «ملی» نکرد، بلکه این ملت ایران بود که به رهبری آیت الله کاشانی و فداکاری شهید نواب صفوی و یارانش، با برطرف ساختن موانع و روی کار آوردن دوستان جبهه ملی، توانستند نفت را ملی کنند.

اتفاقاً در آن برهه از زمان آقای دکتر مصدق نخست وزیر شده بود و هر کس دیگری هم که بجای ایشان می بود، چاره ای جز تسلیم در مقابل اراده و خواست ملت نداشت.

طبق محتوای صورت مذاکرات مجلس، آقای دکتر مصدق اصولاً موافق تغییر عمده و کلی قرار داد با انگلیس نبود، بلکه فقط خواستار آن بود که انگلستان به جای پول کاغذی! پوند یا شلینگ طلا بدهد و اصل قرارداد محفوظ بماند. (ژبه صورت مجلس مذاکرات مراجعه شود).

در واقع نخستین کسی که خواستار ملی شدن صنعت نفت ایران گردید، شهید سید مجتبی نواب صفوی بود که در کتاب «راهنمای حقایق - یا مانیفست فدائیان اسلام» به صراحت اعلام کرد که نفت ایران باید ملی شود و منافع آن نصیب ملت ایران گردد و آیت الله کاشانی نیز در همان دوران، در اعلامیه ای این هدف را اعلام کرد و دنبال نمود، اما طبق ادعای آقای دکتر مصدق، نامبرده در سال ۱۳۳۰، پیشنهاد دکتر فاطمی را درباره ملی کردن صنعت نفت پذیرفت که در مجلس این لایحه به تصویب رسید.

پس در این دوران اگر نفت ملی شده، ربطی به نخست وزیر وقت ندارد. البته اگر آقای دکتر مصدق خدمتی هم انجام داده باشد، این وظیفه او بوده و هر کس دیگری هم که جای او بود، مجبور بود به این وظیفه عمل کند. اما آقای دکتر مصدق در همان دوران کوتاه و ۲۸ ماهه حکومت «خود مختار؟!» با «اختیارات تامه» مرتکب سینیاتی گردید که هیچکدام در دیدگاه خدا و خلق، قابل جبران و بخشش نیست.

آیت الله کاشانی رهبر اصلی نهضت، طبق درخواست سفارت انگلیس در تهران، توسط این آقایان متهم به «انگلیسی» بودن شد و بتدریج در تبعیدگاه «پامنار» در «حصر خانگی» قرار گرفت. شهید نواب صفوی نیز، بیست ماه تمام در دوران حکومت بیست و هشت ماهه جناب پیشوا در زندان ملی گرایانه بسر برده و ده ها تخلف دیگر که همه آنها از سیئات اعمال پیشوا بود.

اما اینکه امروز خیابانی را به نام دکتر مصدق نامگذاری کنند، پاسخ یا پاداش آن را پیشاپیش خود جناب پیشوا به اعضای کمیسیون مربوطه در شورای شهر تهران پرداخته اند. برادر ما آقای مهندس محمد توسلی در جریده شریفه «سازندگی» شماره ۱۷ مورخ ۱۳ اسفند صفحه ۲۷ چنین نقل می کنند:

«دکتر مصدق ضمن پیامی در ۱۶ اردیبهشت ۱۳۳۰ تصریح کرده اند که هرگز با ساختن مجسمه و نام گذاری محلی به نام ایشان موافق نبودند و حتی دستور دادند نام ایشان را از تابلوی خیابان چرچیل بردارند و این جمله تاریخی را فرمودند: به لعنت خدا گرفتار می شود هر کس که بخواهد در حیات و مماتم به نام من بتی بسازد و مجسمه ای بریزد...»

البته ما دعا می کنیم که دوستان محترم شورای شهر و ارباب جرایدی که سوژه های کهنه را بشکل موضوعات نو!! به خورد خلق الله می دهند، دچار نفرین و لعنت جناب پیشوا نشوند و بی دلیل «بتی» نسازند.

والله العالم

تهران. سید هادی خسروشاهی

نظارت دارد. در قانون اساسی عراق هیچ نامی از مرجعیت نیست. در عین حال دولتمردان اگر بخواهند کاری انجام دهند، می آیند خدمت آیت الله سیستانی بایشان مشورت می کنند و این بر اثر آن معنویت است که ایشان در دل مردم دارد. مردم به ایشان عشق می ورزند و دولتمردان مجبورند که ببایند و با ایشان هماهنگ باشند.

این است که من معتقدم ایشان با این روش توانسته بسیاری از مشکلات و از همه مهمتر قداست روحانیت را حفظ کند و تا این لحظه اسم ایشان و مرجعیت و روحانیت جایگاه خودش را دارد و این برای ما مهم است که کسی بتواند به اسم دین صحبت کند، فردا برگ برنده های داشته باشد و بتواند در وقت حساس حرف خود را بزند و مردم همگی بسیج شوند. در خصوص اهتمام آیت الله سیستانی به مسائل ایران هم باید بگویم ایشان همیشه داعیه وحدت دارند. همیشه صحبتشان این بوده است که اختلاف ایجاد نشود.

آیت الله اراکی:

حضرت فاطمه
محور و اساس تطهیر
بیت خاندان عصمت
و طهارت است

صفحه ۷

حجت الاسلام والمسلمین شهیدی:

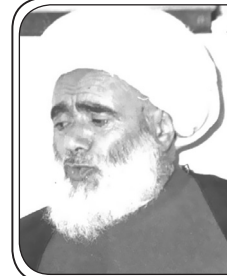
شهدا
افزایش سرمایه
اجتماعی و حفظ
امنیت ملی

صفحه ۶



نگاهی به زندگی
و فعالیت های
مرحوم آیت الله
نصر الله شاه آبادی

صفحه ۲



مروزی بر نامه های
شادروان دکتر عباس زریاب خونی
به آیت الله اشرافی

نامه های
زریاب

صفحه ۴

حجت الاسلام والمسلمین شهرستانی:

رویکرد آیت الله سیستانی هم مشکلات عراق را حل و هم قداست روحانیت را حفظ کرد

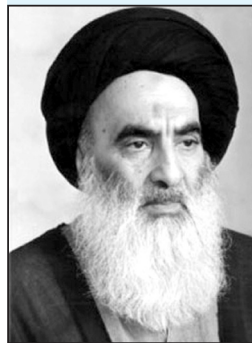
نماینده آیت الله سیستانی در ایران در مصاحبه با عصر اندیشه گفت: آیت الله سیستانی در امور عراق دخالت نمی کند بلکه نظارت می کند.

حجت الاسلام والمسلمین سید جواد شهرستانی در این مصاحبه گفت: ما مکتب نجف داریم و مکتب قم و مکتب مشهد که اخیراً بعد از مرحوم میرزای اصفهانی تشکیل شد؛ من معتقدم آیت الله سیستانی شخصیتی است که این سه مکتب را از نزدیک دیده و درباره آنها حرف دارد. انتقادات و عبارتهایی که به عنوان تعریض به ایشان نسبت داده می شود، جزو امتیازات ایشان است. آنها می گویند «مرجعیت ساکت»! بله ساکت است اما با سکوتش توانست آمریکایی ها را اخراج کند و این فتوای جهاد را بدهد. مگر آنکه ما چگونه صحبت می کردند؟ مراجع ما ادامه دهنده آن خط هستند. آنها به عنوان تعریض می گویند «ساکت» و می خواهند بگویند آیت الله سیستانی فقط چند مسئله شرعی می گوید اما این جهاد کفایی را چه کسی اعلام کرد؟ همین مرجعیت ساکت بود و همه آمدند زیر این پرچم.

ما باید ببینیم آیت الله سیستانی در جامعه چه کرده و اثرش چیست؟ ایشان در چند محور، نقش اساسی ایفا کردند. یکی مسئله قانون اساسی عراق بود که اگر ایشان نبود، آمریکایی ها قانون اساسی عراق را نوشته و به خورد مردم داده بودند. اما اولین کاری که ایشان کرد، این بود که گفت: «عراقی ها خودشان باید قانون اساسی خودشان را تدوین کنند و هر عراقی یک رای دارد.» فقط همین مقدار صحبت کردند و البته

تبعاتی هم داشت که اخضر ابراهیمی نماینده وقت سازمان ملل در امور عراق آمد که جریانش مفصل است که نتیجه همان دو جمله آیت الله سیستانی این شد که آمریکایی ها در پروژه خود یعنی تحمیل قانون اساسی به مردم عراق شکست خوردند.

در خصوص فتوای جهاد کفایی هم می فرمودند: یکبار نشسته بودم، احساس کردم همه چیز که ساختیم، از بین رفت. همه کارهایمان از بین رفت. زیرا داعشی ها از موصل حرکت کردند و تا نزدیکی های بغداد رسیدند. ایشان می فرمودند من متوسل به حضرت ولیعصر (عج)



شدم و گفتم از دست من چیزی بر نمی آید. آنها در یک هفته رسیده بودند. در عین حال روش آقای سیستانی همان مرجعیت ساکت و

صامت است و حتی با آمریکایی ها مبارزه منفی را در پیش گرفتند اما در این قضیه، وارد شدند و آن فتوا را دادند. یا جریان کردها را ملاحظه کنید. ایشان قصه کردها را با یک حرکت حل کردند. همه هم نگران بودند که چه می شود. ایشان دو کلمه فرمودند؛ گفتند هرچه انجام می شود، در چارچوب قانون اساسی باشد. خلاف قانون اساسی مشروعیتی نخواهد داشت. از نظر سلوک شخصی و جنبه های رفتاری آیت الله سیستانی هم باید عرض کنم که بعید می دانم ایشان از نظر مطالعه در بین مراجع نظیر داشته باشد؛ اگر هم بوده من اطلاع ندارم. از نظر سلوک رفتاری، ایشان همیشه بزرگان را الگوی خود قرار داده است و یکی از مهمترین مسائلی که معتقدم در زندگی مرجعیت در عراق موثر بود، همین روش برخورد ایشان با مردم است. یاد می آید یک سال ایشان برای علمای تهران پیام فرستادند. آن پیام خیلی مهم بود.

ایشان خطاب به علمای تهران فرموده بودند: «مردم دینشان را از علما گرفته اند. روحانیت بوده که دین و معنویت را در جامعه تحکیم کرده است؛ اما با چه روشی؟ با برخورد و عملکرد شما بوده است. آن عملکردها بوده که تاثیر خود را در

جامعه گذاشته و مردم به روحانیت و دین و مذهب علاقه پیدا کرده است. الان من شنیده ام که ماشین های آخرین سیستم سواری می شوید. در خانه های آنچنانی زندگی می کنید. من نمی گویم از راه حلال نبوده است. شما لابد از راه شرعی آورده اید. نمی خواهم در اینجا تشکیک کنم اما روحانی نباید اینطور زندگی کند. روحانی باید وضع عمومی مردم را مراعات کند.» می خواهم بگویم برخوردها و سبک زندگی خیلی موثر است. یعنی اگر اکنون شما به خانه ایشان بروید، می بینید فرش و زندگی ایشان چگونه است و چقدر ساده زندگی می کنند. امروز آقای سیستانی در امور دخالت نمی کند و در عین حال



خبرگزاری مهر: کتاب «خاطرات مستند استاد سید هادی خسروشاهی درباره سازمان ها و احزاب سیاسی دوران انقلاب» از سوی انتشارات کلبه شروق قم منتشر شد.

این کتاب جلد دهم از مجموعه «حدیث روزگار» ایشان است که از یک مقدمه و ۴ بخش تشکیل شده است:

سازمان مجاهدین خلق یا فرقه رجویه (گفتگو با دو ماهنامه «چشم انداز ایران»);

حزب توده در خط امام! (حزب توده پس از پیروزی انقلاب اسلامی) (گفتگو با دو ماهنامه «چشم انداز ایران»);

فرقه فرقان (تأملاتی در اندیشه و عمل فرقه فرقان) (گفتگو با فصلنامه «یادآور»)

دفتر هماهنگی های مردمی - حزب بنی صدر (حزب بنی صدر؛ علل و عوامل شکست و سقوط؛ گفتگو با روزنامه «جوان»).

بعد از هر بخش، پیوست مرتبط با آن ذکر شده است. در پیوست بخش اول، یعنی سازمان مجاهدین خلق، اسامی کامل نخستین دستگیر-شدگان سازمان مجاهدین خلق، نکاتی درباره سازمان مجاهدین خلق و شخصیت و روحیات محمد حنیف نژاد (گفتگو با ماهنامه «رمز عبور») آمده است. در بخش دوم (حزب توده)، پیوست هایی درباره سیاست ها و برنامه های حزب توده، توضیحاتی درباره برخی اظهارنظرها (تصحیح نظرات دکتر ابراهیم یزدی در مصاحبه اش با شماره ۴۱ مجله «مهرنامه» درباره رابطه استاد با نورالدین کیانوری)، حزب توده و کیانوری در خط امام! (گفتگو با ماهنامه «اندیشه پویا»)، ایدئولوگ حزب (خاطرات استاد از نورالدین کیانوری، احسان طبری و ناخدا افضلی در گفتگو با کتاب سال «اعتماد ملی»، نوروز ۱۳۸۸). در پایان بخش چهارم هم مصاحبه استاد با روزنامه «انقلاب اسلامی» درباره علت رأی دادنش به بنی صدر. در پایان کتاب هم فهرست اعلام، اماکن و کتب و اسناد و تصاویر مرتبط به موضوع کتاب می آید. امید که مخاطبان با مطالعه این کتاب، نگاهشان به مسائل تاریخی دهه اول پیروزی انقلاب اسلامی دقیق تر و عمیق تر شود.

استاد در مقدمه کتاب درباره ضرورت ثبت تاریخ انقلاب و شخصیت های انقلابی می نویسد: «تاریخ چگونگی حوادث دوران پس از انقلاب اگر توسط کسانی که خود به نحوی در صحنه بوده اند، به رشته تحریر درنیاید، یا توسط عناصر مُعرض و معارض نوشته خواهد شد و یا به تدریج به دست فراموشی سپرده می شود.» (ص ۹)

روحیات و عملکرد سازمان مجاهدین خلق
استاد در بخش اول کتاب، در بیان خاطرات خویش از اعضای فعال سازمان مجاهدین خلق مانند محمد حنیف نژاد، تراب حق شناس، لطف الله میثمی، مهدی ابریشمچی و... درباره روحیات و تحلیل عملکرد سازمان پس از پیروزی انقلاب و ویژگی ها و روحیات کادر رهبری سازمان می گوید:

الف. انحصارگرایی / تمامیت خواهی: «آقایان در فکر انحصارگرایی بودند. اگر اینها عاقلانه رفتار می کردند و مسائل را به اینجاها درگیری نظامی و ترور) نمی کشاندند، که عده ای از مردم و جوانان بی گناه کشته شوند، وضع آنها چنین نمی شد. به نظر من آنها در روشی که در پیش گرفتند، اشتباه کردند؛ چون به نادرست معتقد بودند که انقلاب را آنها انجام داده اند! و مسئولیت اداره کشور باید بر عهده آنها باشد که در واقع مسأله از این قرار نبود؛ یعنی آنها عده معدودی بودند که اغلب در زندان ها به سر می بردند و به همت مردم انقلابی آزاد

شدند و توانستند پس از انقلاب، از فرصت استفاده کنند و اعضای خود را افزایش دهند. متأسفانه از این اعضا هم نتوانستند به طور صحیح استفاده کنند و آنها را به رویارویی با نظام و سپس ترور وادار کردند که چگونگی آن را همه می دانیم و به نظر من، منشأ آن ناشی از «بی تقوایی» و «تمامیت خواهی» رهبری آنان بود.» (ص ۲۴)

ب. خودمحوری: «رهبری سازمان مجاهدین جدید، اصلاً هیچ

کس را قبول نداشتند؛ یعنی نه روحانیت مبارز را قبول داشتند، نه امام خمینی، نه اسلام سنتی و نه نهضت آزادی و یا دیگر ملی گراها را و در واقع ایدئولوژی خاصی را برای خود ساخته بودند و هر کسی را که پیرو آن تفکر نمی شد، کنار می زدند و یا به ترور شخصیتی و حتی متأسفانه حذف فیزیکی اقدام می کردند که نمونه های بسیاری از آن سراغ داریم.» (صص ۲۷ و ۲۸) «معتقدم که اینها - رهبری جدید (سازمان مجاهدین خلق) - خودمحور بودند. در واقع اگر بتوانیم بگوییم که «ضد آخوند» نبودند، دست کم می توانیم بگوییم با آخوندها خوب نبودند و معتقد بودند علما روی احکام اجتماعی قرآن کار نکرده اند. در واقع می شود گفت که آنها علما و روحانیت را تنها به عنوان وسیله ای در جهت تشویق مردم و جوانان برای پیوستن به سازمان و یا کمک مالی به آنها قبول داشتند...» (ص ۳۸)

ج. فرصت طلبی: رهبری (سازمان) پس از انقلاب علاوه بر تلّون، فرصت طلب هم بودند و می خواستند از فرصت ها استفاده کنند و به هر قیمتی که شده به قدرت و مسند حکومت برسند که این از آثار همان بی تقوایی و تک روی و خودمحور بودن است و البته این بیماری ویژه این آقایان نبود؛ بعضی از دوستان قبلی و بعدی ما هم متأسفانه دچار این نوع بیماری بودند. (ص ۴۰)

د. غوغاسالاری: این آقایان - چه رجوی و چه افراد دیگر - با عناصر و شخصیت های درجه یک نظام ملاقات هایی داشتند و شاید در ارتباط دائم بودند، ولی آنها هرگز به فکر همکاری نبودند و عملاً می خواستند اوضاع شلوغ تر شود تا به نتیجه مطلوب خودشان برسند. (ص ۴۶)

ذ. تخریب منتقدان و رقبا: این ها (سازمان مجاهدین خلق) در مطبوعات خود، به ویژه روزنامه «مجاهد» به تخریب افراد می پرداختند و به همین دلایل می توانیم یقین داشته باشیم که آنان اصولاً در فکر سازش و همکاری نبودند. بنابراین اگر حاکمیت هم اقدام مثبتی می کرد، با توجه به نیت باطنی آنان، من فکر نمی کنم که نتیجه ای حاصل می شد. (صص ۴۶ و ۴۷)

انتقاد از یک آفت جامعه ایرانی

استاد با اشاره به روحیه تمامیت خواهی سازمان مجاهدین انقلاب می گوید: «به نظر من کیش شخصیت!، تمامیت خواهی و تک محوری، یک اخلاق و روحیه زشت ایرانی است؛ چرا که اغلب کار جمعی را دوست ندارند و علاقمند هستند که همه کارها را خودشان یا اطرافیان و یا وابستگانشان انجام دهند. پس از پیروزی انقلاب اسلامی ما توقع استمرار این نوع روحیه را نداشتیم، ولی متأسفانه چنان شد؛ یعنی تمامیت خواهی رسمی از آن زمان و از دولت موقت مرحوم مهندس بازرگان آغاز شد و آقایان کابینه را از اعضای جبهه ملی، نهضت آزادی، ملت ایران، جاما و احزاب ملی گرایی دیگر تشکیل دادند که بعدها به نام «ملی - مذهبی» معروف شدند. البته اغلب اینها دوستان بنده بودند و من صداقت و حسن نیت بسیاری از آنها را باور داشتم، ولی در

کلبه شروق قم منتشر کرد؛

خاطرات مستند درباره سازمان ها و احزاب سیاسی اول انقلاب



کابینه اول دولت موقت، حتی یک روحانی مبارزو یا به قول آنها، یک «آخوند» نمی بینیم. به نظر من این نوعی تمامیت خواهی اشتباه آمیز بود.» (ص ۲۶)

وی در ادامه می نویسد: «بعدها در طرف مقابل هم دوستان دیگر ما - مثلاً در حزب جمهوری اسلامی - آنهایی که در صحنه سیاست بودند، تمامیت خواه شدند و مایل بودند که تنها همفکران خود را در رأس همه کارها قرار بدهند. این

وضع ادامه پیدا می کند تا به دوره جناب آقای سید محمد خاتمی می رسیم که خیلی هم به ایشان علاقه داریم، ولی می بینیم باز در دوره ایشان هم چند هزار مدیر در سطح کشور کنار گذاشته می شوند و چند هزار مدیر جدید می آیند و پس از آن هم دولت بعدی نوعی تمامیت خواهی بدتری را اجرا کرد.» (ص ۲۷)

علل جدایی سازمان مجاهدین از روحانیت
استاد درباره علل استغنائی سازمان مجاهدین از روحانیت می نویسد: احساس استغنا از روحانیت به دو دلیل در آنها به وجود آمد: اول، عدم استقبال صمیمانه و عدم همکاری جدّی فکری با آنها، از طرف بعضی از روحانیون. دوم، اختلاط و همزمانی بررسی مبانی اسلامی با مطالعه و بررسی ادبیات مارکسیستی که شاید به طور ناخودآگاه و بدون تعمّد اختلاطی عمل کردن بود، به وجود آمد که این امر به علت عدم حضور حتی یک روحانی و عالم دینی آشنا به مسائل روز در تشکیلات آنان - حتی در بخش ایدئولوژیک - فاجعه بار بود و شاید نتیجه نهایی آن، صدور بیانیه اعلام مواضع! و تغییر مبانی ایدئولوژی سازمان به اصول مارکسیستی و اعلام رسمی آن، در درازمدت بود که همگی از چگونگی آن و محتوای کاملاً مارکسیستی - لنینیستی بیانیه و حذف کامل «اسلام» از برنامه سازمان، آگاه هستیم. (ص ۸۳)

استاد در جایی دیگر از این کتاب می نویسد: اصلیتربین تضاد و اختلاف بین سازمان و انقلاب، ایدئولوژی انحرافی به نام اسلام بود: از یک سو اسلام محمدی و از سوی دیگر اسلام به اضافه مارکسیسم! (ص ۸۹)

سیاست تأمل برنگیز حزب توده در اوایل انقلاب: حزب توده در خط امام!

استاد در تحلیل مواضع و رویکرد حزب توده پس از پیروزی انقلاب اسلامی می گوید: «پس از پیروزی انقلاب، حزب توده برای جلب اعتماد نظام، به نوعی همکاری به ویژه در زمینه های اطلاعاتی دست زد و همزمان نیز به گسترش تشکیلات خود و ایجاد واحدهای مختلف در کشور و نفوذ در سازمانهای دولتی پرداخت.... در واقع از آغاز، برنامه استراتژیک حزب توده، همین به دست گرفتن قدرت و حکومت بود، ولی راه رسیدن به آن را در جلب اعتماد نظام و تخریب عناصر مخالف می دانست و به همین دلیل، آقای کیانوری طرح «حزب توده در خط امام!» را در مقابل دیگر احزاب چپ و یا سیاسی، مطرح ساخت و داشت به سرعت پیش می رفت که با طرح ضربتی «برادران»، توطئه بی نتیجه ماند؛ چرا که در نهایت امر، طرح اصلی حزب و دبیر کل آن برای به دست گرفتن قدرت، اجرای کودتا بود. (ص ۱۲۲)

ترویج شعار «مرگ بر بازرگان» توسط حزب توده
استاد می گوید: مدتی پس از استعفای دولت موقت، شعار «مرگ بر بازرگان» پس از مرگ آمریکا، اسرائیل، منافقین و صدام در بعضی اجتماعات و حتی نماز جمعه ها مطرح میشد. بعضی از دوستان فکری کردند این شعار از سوی هواداران انقلاب اسلامی و حزب الله است، ولی واقعیت این نبود. من شخصاً این موضوع را کشف کردم که مطرح

شدن این شعار از سوی حزب توده است. (ص ۱۵۴)

گروه فرقان و ارتباطش با سازمان مجاهدین خلق و سرویس های اطلاعاتی خارجی

از جمله ویژگی های برخی از تاریخ نگاران و خاطره گویان سعی دارند آن را به گروه فرقان مُنتسب سازند، یکی پایبندی آنان در دینداری و دیگری تأمین مخارج فعالیت های ایشان از محل عضویت است و این انگاره ها سعی در تطهیر و توجیه تمامی عناصر و جریانانی دارند که با تلقی رایج از دین و نیز روحانیت شیعه سر ناسازگار دارد، ولی استاد در گفتگویی تفصیلی به بازبینی پاره ای از تصورات درباره فرقه فرقان پرداخته و با استناداتی روشن، به ابطال آن - ها پرداخته است. استاد خسروشاهی درباره روحیات و مشی شخصی و فعالیت های اکبر گودرزی، رهبر فرقان می پردازد و می گوید: نگرش او درباره مسائل قرآنی و معنوی یک نگرش مادی - دیالکتیکی است و همه چیز را به «انقلاب و ضد انقلاب»، «سرمایه داری و ضدسرمایه داری» و زندگی در حال تحول و تکامل دائمی نسبت می دهد. جالب اینجاست که وقتی در دادگاه از او درباره مسائلی مانند تر و آنتی تز و سنتنز و دیالکتیک و مصطلحاتی از این قبیل سؤال کردند، اطلاعی از این مفاهیم نداشته و پاسخ لازم را نتوانسته ارائه کند. (ص ۱۷۶)

استاد با ذکر شواهد و خاطراتی در این کتاب معتقد است که گودرزی، ارتباط تشکیلاتی منسجمی با سازمان مجاهدین خلق داشته است. استاد نظرش را درباره وابستگی فرقان به عوامل خارجی اینگونه بیان می کند: «من در تحلیل ها و بررسی های سیاسی - تاریخی خود به این جمع بندی رسیدم که بی تردید رهبری این فرقه، علاوه بر عناصر سازمانهای ضد انقلاب داخلی، با عناصر سازمان سیا و جاسوسان بیگانه هم ارتباط داشته و از آنها برای اجرای توطئه های خائنانه خط می گرفته و حتی به آنها وعده ترور هفتگی داده است.» (ص ۱۹۰)

دلیل گروه فرقان در ضدیت با علما

استاد خسروشاهی درباره دلیل گروه فرقان در ضدیت با علما می نویسد: فرقه فرقان همانند سازمان آرمان مستضعفین و سازمان مجاهدین، با استناد ظاهری به آیات قرآن و تفسیر مادی گرایانه آنها، در راستای اهداف و امیال فرقه های خودشان، خواستار حذف علما و رهبران مذهبی جریان اصیل اسلامی بودند و این به موازات فعالیت هواداران سکولاریسم الحادی بود که با اساس دین و باورهای مذهبی مخالفت می کردند. عقیده این سازمان ها و گروه ها، که خواستار به اصطلاح «اسلام منهای آخوند» و یا «سیاست منهای دین» در واقع محصول گروهی بود که از زمان های بسیار دور به مبارزه مستقیم و صریح برای حذف کامل مذهب از زندگی مردم برخاسته بودند و در واقع با قیافه مذهبی و تفسیرهای مادی از مبانی اسلامی، مُزوّرانه در تحریف و مسخ و حذف مذهب می کوشیدند. این گروهها نقطه مشترکی با هم داشتند و آن اسلام منهای روحانیت بود؛ زیرا که روحانیت سدی محکم و مقاوم در برابر اهداف آنان به شمار می رفت. (ص ۱۷۴)

خودبزرگ بینی ابوالحسن بنی صدر

استاد خسروشاهی معتقد است که بنی صدر به دلیل خود بزرگ بینی و عدم تمکین از قانون و اقدامات غیرمنطقی بسیار، به ویژه تفرّع پس از پیروزی در انتخابات ریاست جمهوری، آن مقام و موقعیت را، علیرغم رهنمودها و نصیحت های مکرر خصوصی و علنی امام، نتوانست حفظ کند. (ص ۲۱۵)

استاد خسروشاهی درباره روحیات و مشکلات بنی صدر می گوید: «اختلاف بنی صدر با شهید رجایی هم ناشی از همان حس قدرت طلبی و انحصارگرایی بود. او می خواست همه امور در اختیار شخص وی باشد

ادامه در صفحه بعد

پیام تسلیت رهبرانقلاب در پی درگذشت آیت الله شاه آبادی

رهبر معظم انقلاب در پیامی درگذشت آیت الله آقای حاج نصرالله شاه آبادی را تسلیت گفتند.

متن پیام رهبر انقلاب به شرح زیر است:

بسم الله الرحمن الرحيم

درگذشت عالم بزرگوار مرحوم آیت الله آقای حاج آقا نصرالله شاه آبادی رحمه الله علیه را به بازماندگان مکرم ایشان و بیت رفیع شاه آبادی و همه ی ارادتمندان ایشان تسلیت عرض میکنم و علو درجات ایشان را که از شاگردان و نزدیکان امام راحل عظیم الشان و از وفاداران به انقلاب و خدمتگزاران نظام جمهوری اسلامی بودند، از خداوند متعال مسألت می نمایم.

سیدعلی خامنه ای
اسفند ۲۲

رهسپار نوفل لوشاتو شد. وی جزء علمای متحصن در دانشگاه و مستقبلان از امام در فرودگاه بود.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، کمیته هفت انقلاب را در مسجد خویش تشکیل داد و محافظت از اموال و امنیت مردم را برعهده گرفت. همچنین به حکم امام خمینی، مسئول دادگاه مبارزه با رباخواری شد و خدمات فروانی نمود.

با آغاز جنگ تحمیلی و دفاع مقدس، فعالیت های ایشان در جهت تقویت جبهه های نبرد و کمک رسانی به رزمندگان اسلام اوج گرفت و مکرر به جبهه ها سفر می کرد و ده ها کامیون از کمک های مردمی را در میان نیروهای اسلام توزیع می کرد و این فعالیت ها در طول هشت سال دفاع مقدس ادامه یافت و این همه در کنار فعالیت های دینی (اقامه جماعت) و علمی (تدریس سطوح عالی) و اجتماعی او بود.

هجرت به قم

در سال ۱۳۷۹ ش (۶۹ سالگی) و در پی سال ها فعالیت های مستمر و مداوم، دچار درد کمر شد و در بستر بیماری خوابید اما این استراحت سرآغاز مهاجرت به زادگاهش (شهر مقدس قم) و شروع مجدد فعالیت های وی در این شهر بود.

اجازات

معظم له دارای اجازات متعدد اجتهاد (از حضرات آیات عظام: سید ابوالقاسم خویی - محشی به تصدیق امام خمینی، آیت الله گلپایگانی و آیت الله مرعشی نجفی - و آیت الله سید محمدصادق روحانی) و روایی (از حضرات آیات: شیخ آقا بزرگ تهرانی، سید شهاب الدین مرعشی نجفی و شیخ محمود سامرائی) و امور حسبیه می باشد. ایشان می فرماید:

در دیدارهایی که جهت خداحافظی برای سفر پاکستان، از امام خمینی و آیت الله خویی داشتم، هر دو بزرگوار لطف کردند و اجازه امور حسبیه برای حقیر نوشتند و وقتی هم به پاکستان رفتم، آیت الله خویی نامه ای خطاب به اهالی پاکستان نوشتند و من را به عنوان وکیل خود معرفی کردند. چند روزی قبل از این دیدار هم مرحوم آیت الله خویی تصدیق اجتهادی به من دادند. یادم هست ایشان در کوفه بودند و اجازه اجتهاد را برای من نوشتند، سپس مرحوم امام و آقای گلپایگانی و آقای نجفی مرعشی، در حاشیه اش نوشتند. حال این اجازه مفقود شد یا بردند، من نمی دانم. اما این مطالب ناراحتی ندارد. زیرا اگر سوادی داشته باشیم، پیش خودمان است و اگر نداشته باشیم، صد تا اجازه اجتهاد هم تأثیری در زیادی علممان ندارد. البته بعدها وقتی در تهران ساکن بودم، یک اجازه اجتهادی هم آیت الله آقای سید صادق روحانی، مرحمت فرمودند که این موجود است.

نگاهی به زندگی و فعالیت های مرحوم آیت الله نصر الله شاه آبادی

حجت کوه کمری، حاج سید محمدتقی خوانساری و مرحوم حاج شیخ عباسعلی شاهرودی شرکت جست، اما به خواست پدرش به تهران بازگشت و چند ماهی در دروس پدر شرکت نمود، تا با وفات ایشان در سال ۱۳۲۸ ش، مجدداً به قم باز آمد و در دروس استادان معظم فوق، شرکت جست.

مهاجرت به نجف

معظم له دل در گرو نجف اشرف داشت و دیده امیدش به سوی نجف بود، لذا در سال ۱۳۳۰ ش (۱۳۷۰ ق) رهسپار نجف شد و در مدرسه بزرگ آخوند سکونت گزید و خیارات مکاسب را نزد آیت الله سید علی بهشتی و کفایه را مجدداً نزد آیت الله سید محمد روحانی آموخت و پس از آن به دروس خارج فقه و اصول آیت الله خویی حاضر شد و بدان دل بست و بیش از ۱۹ سال، در دروس تفسیر و فقه و اصول معظم له حاضر شد و بهره های فراوان برگرفت و سخت مورد توجه و علاقه ایشان قرار گرفت (و این از اجازات مرحوم آقا به وی نمایان است) و علاوه بر آن به دروس آیات عظام: آقای شیخ حسین حلی و سید عبدالهادی شیرازی حاضر شد و مبانی علمی اش را استوار ساخت و پس از ورود امام خمینی به نجف در سال ۱۳۴۴ ش به درس معظم له نیز حاضر شد و مورد توجه بسیار ایشان هم قرار گرفت.

در این زمان بود که علامه شیخ آقابزرگ تهرانی در نقباء البشر، او را جزء فضلی نجف برشمرده است.

تدریس

معظم له، در کنار تحصیل به تدریس سطوح عالی (شرح لمعه، رسائل، مکاسب و کفایه) و شرح منظومه و اسفار پرداخت و گروه بسیاری از فضلا را پرورش داد. وی، گاه روزانه ده درس را تدریس می نمود و از بام تا شام، به تحصیل و تدریس و مباحثه اشتغال داشت و شب های پنجشنبه نیز از آن امتحان می گرفت.

سفر به پاکستان

در سال ۱۳۴۹ ش، به دعوت مرحوم حجت السلام والمسلمین آقای حاج میرزا مهدی پویا - روحانی برجسته و مشهور کراچی - رهسپار پاکستان شد و مورد استقبال فراوان روحانیان و تجار و شیعیان پاکستان قرار گرفت و همراه با حجج اسلام آقایان: حاج شیخ علی اسلامی، حاج شیخ محمد سلطانی، حاج سید محمد مختاری سبزواری به تأسیس مدرسه علمیه و تربیت طلاب پرداخت، اما با گذشت ۳ ماه و نیم از توقفش به علت ابتلا به بیماری مالاریا، به تهران بازگشت (تا دوره درمان را سپری سازد) اما با ممنوع الخروجی خویش مواجه گشت (که تا سال ۱۳۵۷ ادامه یافت) و مراجعت به پاکستان و نجف اشرف متغی شد.

اقامت در تهران

مجاهدین مخالفت می کرد و حتی کتابی در رد اندیشه و تفکر آنان نوشت و منتشر ساخت و در ایران هم نخست با آنها میانه خوبی نداشت، اما به تدریج و برای کسب قدرت تا مه، احساس نیاز به سازمان و تشکیلاتی نمود که بتواند او را در اهداف ویژه اش کمک و یاری کند. حزب وی یا دفتر هماهنگی مردمی کارساز نبود و این بود که او به جای بهره مندی از پشتیبانی امام و نهادهای انقلابی، به سازمان های چپ و راست روی آورد و عمدتاً با سازمان مجاهدین پیوند خورد و در مراحل بعدی، کارگردان امور دفتر هماهنگی و تشکیلات ریاست جمهوری، اعضا یا هواداران سازمان بود. (ص ۲۲۷)

بنی صدر برای کسب قدرت، ترور را مشروع می داند

استاد خسروشاهی از سخنرانی ابوالحسن بنی صدر در اروپا پرده بر می دارد که بنی صدر پس از فرار به اروپا، ترور را برای سرنگونی «رژیم خمینی - به تعبیر او - یک امر ضروری می دانست و حتی تروریسم را هم «نبرد آزادی بخش» نامید. وی در این باره می نویسد: آقای بنی صدر که (در مقاطعی) به تروریسم می تاخت، سرانجام در راه حفظ

آیت الله نصرالله شاه آبادی عضو خبرگان رهبری و از اساتید پیشکسوت حوزه به دیار حق شتافت.

در ادامه شرحی از زندگینامه ایشان را می خوانید:

ولادت

فرزند فقیه و عارف بزرگ حضرت آیت الله العظمی میرزا محمدعلی شاه آبادی استاد امام خمینی و برخی مراجع تقلید در روز ۲۸ شعبان المعظم ۱۳۵۰ ق (برابر با جمعه ۱۷ دی ماه ۱۳۱۰ ش)، در شهر قم به دنیا آمد و بیست و یکم اسفند ماه ۹۶ در سن ۸۶ سالگی به دیار حق شتافت.

تحصیلات

ایشان دوران کودکی را در قم گذراند و در مکتب خانه، دروس نخستین را فرا گرفت و دو جزء قرآن (اجزاء ۲۹ و ۳۰) و سوره های یاسین، واقعه، الرحمن و ذاریات را حفظ نمود. در سال ۱۳۱۵ ش، همراه پدر بزرگوارش راهی تهران شد و در مکتب خانه شیخ عبدالرحیم، نصاب و بوستان و گلستان را آموخت و پس از آن، در دبستان توفیق، دوره شش ساله دبستان را پشت سر نهاد. وی از کودکی و نوجوانی، تحت تأثیر انقاس قدسیه پدرش و تربیت یافته مکتب عرفانی و معنوی او بود.

در ۱۲ سالگی (۱۳۲۲ ش)، به تحصیل علوم دینی روی آورد و همراه برادرش حاج آقا نورالله، نزد اساتید مدرسه مروی، ادبیات و سطوح و فلسفه را آموخت و در کنار تحصیل، دروس پیشین را به عده ای تدریس نمود.

استادان

استادان معظم له در دوره های مختلف تحصیلی اش عبارتند از آیات و حجج اسلام:

- حاج آقا مصطفی مسجد جامعی (شرح امثله)
- سید صدرالدین رضوی قمی (سیوطی)
- حاج میرزا ابوالحسن شعرانی (مطول و بخشی از شرح منظومه)

- حاج سید محمدعلی لواسانی (مطول)
- حاج شیخ حسن ظهیرالدینی (معالم)
- حاج شیخ حسین کنی (شرح لمعه)
- حاج سید حسن احمدی علون آبادی (رسائل)
- حاج میرزا ابوالفضل نجم آبادی (مکاسب)
- حاج میرزا هدایت الله وحید گلپایگانی (مکاسب)
- حاج شیخ عباس تهرانی (کفایه)
- میرزا مهدی آشتیانی (اسفار)
- حاج سید کاظم عصار (شرح منظومه و بخشی از اسفار)

مهاجرت به قم

وی پس از اتمام سطوح عالی، در سال ۱۳۲۷ ش رهسپار حوزه علمیه قم شد و چند ماهی در دروس آیات عظام: محمدحسین بروجردی، سید محمد

ادامه از صفحه قبل

و نخست وزیری که برای خود برنامه و هدفی دارد در کنار او قرار نگیرد؛ یعنی در واقع او نخست وزیری به عنوان «تکمیل دکور» لازم داشت، نه کسی که بخواهد اظهار نظر کند یا طرح و برنامه خاصی را ارائه نماید و البته می دانیم که این اختلاف و نزاع فقط در مورد شهید رجایی نبود، بلکه آقای بنی صدر با همه نهادهای انقلابی مانند سپاه پاسداران و مجلس و افراد تأثیرگذار و با سابقه در انقلاب، مشکل داشت از برخورد او با شهید بهشتی می توان فهمید که آقای بنی صدر رقیب اصلی خود را شهید بهشتی می دانست که گویا مسئول همه «فتنه ها» هم او بوده است. روی همین اصل بود که هواداران او به شدت بر ضد ایشان اقدام می کردند و اتهامات ناروا و اکاذیب عجیب و غریبی علیه ایشان منتشر می کردند. (ص ۲۲۰)

تغییر سیاست های بنی صدر در مواجهه با سازمان مجاهدین خلق

استاد خسروشاهی درباره رویکردهای متناقض بنی صدر با سازمان مجاهدین خلق می نویسد: آقای بنی صدر در دوران اقامت در پاریس و پیش از پیروزی انقلاب اسلامی، اصولاً سرسختانه با سازمان

قدرت و کرسی ریاست! اعلام کرد که اگر پنج نفر از مسئولین درجه اول کشور ترور شوند، نظام سقوط می کند و او برای اداره کشور برمی گردد و البته در راستای همین نوع اندیشه شیطانی بود که ترورها در ایران بیشتر شد و به انفجار مقر حزب جمهوری اسلامی رسید و گویا هوس تروریستی آقای بنی صدر مانند هوس قدرت طلبی، پایان ناپذیر بود و او در خارج از کشور، در انتظار پنج ترور بزرگ دیگر بود تا خود برگردد! ترورها البته ادامه یافت، ولی مدت تعیین شده برای برگشت، باز تمدید شد و از سه ماه به سه سال و سپس به سی سال رسید. (ص ۲۳۵)

مشخصات کتاب

چاپ اول این کتاب در ۳۲۰ صفحه، قطع رقیعی، تیراژ ۱۰۰۰ نسخه و قیمت ۱۴۰۰۰ تومان در زمستان ۱۳۹۶ منتشر شده است. برای تهیه این کتاب و سایر مجموعه خاطرات مستند استاد خسروشاهی می توانید در قم به کلبه شروق واقع در ابتدای خیابان صفاییه و در تهران به فروشگاه کتاب موسسه اطلاعات واقع در خیابان انقلاب روبروی دانشگاه تهران مراجعه نمایید و یا با مرکز پخش کتب در قم به شماره تلفن ۳۷۸۳۸۱۴۴ (۰۲۵) تماس بگیرید.

از طرف دربار به عهده من گذاشته اند و قراردادی هم بسته ایم اینک لیل و نهار مشغول آن هستم و همچنین ترجمه قسمتی از دائرة المعارف اسلامی از طرف وزارت فرهنگ به عهده من محول شده است و آن هم طبق قرارداد و تشریفات مخصوص به خود. این است که مجال سرخاریدن ندارم برای مسافرت شیراز و اصفهان را در نظر گرفته ام امیدوارم که عند احدی الحالین ایاب یا ذهاب به حضورتان برسم و تجدید عهد کنم.

والسلام علیکم ورحمة الله عباس خویی

۱۹ صیام

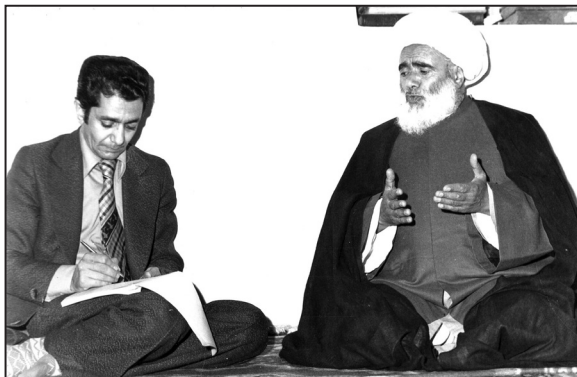
به خدمت حضرت علامه مفضال منطیق نحیر ادیب متبحر ادام الله ایام افاضاته مدی السنین و الشهور

گذر فتاد به سر وقت کشتگان غمت

هزار جان گرمی فدای هر قدمت به یک نگاه تو رستم ز ننگ هستی خویش خوش آن که سوی من افتد نگاه دم به دمت جعلت فداکا لقد سزنی اتی خطرت ببالکا نامه نامی آن یار گرمی با یک کاروان شوق و شادی در شانزدهم رمضان (ساقی الله الیک سعاده اهلاله و عزفک بركة کماله و لفاق الله فیه ما ترجمه و رفاق الی ما تحت فیما تتلوه و جعل الله ما یطول من هذالوصوم مقروناباً فضل القبول مؤذنا بدرک البغیه و نحج المامول ولا اخلاق من بزمرفوع و دعاء مسموع) زیارت شد دل نژد را راحتی بخشید و تن مستمند را روانی تازه داد، دیدگان مجروح را شفا داد و جان بستری را دوا، با کاروان مصری چندین شکر نباشد.

آن کرد نامه تو بدین ذره حقیر که پیراهن یوسف به دیدگان یعقوب و نامه لیلی به قیس عامری و پیام عذراء را بواقی شیدا و دیدار شیرین به فرهاد مسکین و آفتاب جهانتاب به دشت و صحرا و غیث و ابل به ارض جدبا و وزن ساکب بسند شهیا و بشقاب پلو بطن سغباء و... به صد دفتر نشاید گفت شرح درد مشتاقی، به ویژه خبر سلامتی مزاج و خوشی حال که ابتهاج «مالا یسهه المقال» بخشید و زبان حال فی الحال مترنم شد که: «بشری اذا السلامه حلت بذی الندم»

جندا بخت مساعد و اختر موافق که مهبطت مهبط اختران است و جمع ستارگان و فلک اقمار



حسن و جمال و آسمان به دور زیبایی و کمال و بوستان از اهیر دلربایی و گلستان لعبتان تاتاری و زهره زهرا از جمال دلارایشان در حجاب حسرت متواری و برجیس و کیوان از بیم فصاحت فراری که چراغ پیش آفتاب پرتوی نیارد و مناره بلند بر دامنه کوه الوند پست نماید.

شهریست پر کرشمه و خوبان ز شش جهت

چیزیت نیست ورنه خریدار هر ششی! حالات این غریب مهجور دستخوش بازیچه دوران و فرسوده ایام را خود تان غیب گویی فرموده بودید سبحان الله رمالی و طلسمات و زجرطیرو تفال و علم الفراسه همه اش تحصیل فرموده اید و از مجته ام الصبیان و دیوکه سلیمان به اخذ لیسانس نائل آمده و از جابرین حیان و میرزا ملکم خان اجازه اجتهاد گرفته و از سطح وزرقاء کاهنه ورقه دخالت در امور حسیه صادر نموده قصه هارون و ابی نواس به خاطر آمد که گفت «کأنک معنا»!

از اخبار شهر جز اینکه دو تن از غلامان ماه رخسار کبک رفتار شیرین گفتار تنگ دهان نازک میان در ظرف این بیست روز به این شهر نزول اجلال فرموده اند و نمکی تازه بر جراحات دلریشان پاشیده خبری نیست.

و اتفاقاً یوم ورود مشارالیهما (سلام الله علیهما) مصادف شده با کشف دو قمر دیگر بسیار مشتری در زیج مؤنت ویلس (توسط نیشلزن) نعم الاتفاق. در خاتمه حاج شیخ محسن و آقا سید فتاح و شیخ عبدالصمد و همه کوران در صحن، سلام مخصوص داشتند.

عباس بن علی بن حسن الخویی

قم - کوچه اعتضاد الدوله

کوچه انواری / منزل مصباح منجم

حجت الاسلام آقای اقا میرزا جعفر اشراقی

اشراقی عزیزم

می دانم که در فکر من هستید: از دوری من متأثر و غمگین می باشید در قم تنها مانده اید و شاید از من دلگیر شده اید که چرا فوراً حالات خودم را اطلاع نداده ام تنبل و متسامح خوانده اید یا خدا نکرده بی وفا و حق ناشناسم گمان کرده اید آن بعض الظن اثم. نه عزیزم من همواره به فکر شما بوده ام گاه و بی گاه خواب و بیداری و از دوری و محروم بودن از دیدن شما ملول و دلتنگم در مجلس یاران و دوستان چاشنی کلام هستید اما تسامح و تعلل را با کمال تأسف از عیوب بزرگ خود دانسته و به قصور خود معترفم.

موقع ورودم: حضرت آقای شریعت منتهای لطف و مهربانی را در حقم مراعات داشتند و از هیچگونه مساعدت بذل توجه دریغ نفرمودند و پس از دوازده روز اقامت در منزلشان به مسجد نقل مکان کردیم اطاق مسجد از جهت راحتی و نظافت و روشنایی در خور تقدیر است ولی چون یک نفر اینجاست که هیچگونه تناسبی میان من و او نیست متاذی هستیم. با آقای قرشی نیز ملاقات کردیم و ذکر خیر شما تمام مذاکرات را مستوعب ساخت. با آقای مشکور و آقای موسوی نیز نظایر این برخورد اتفاق افتاد. من چشم به راه و منتظر شما هستم تا حضوراً و شهوداً از حالات من مطلع باشید، چون هنوز کشتی در ساحل لنگر نینداخته است دستخوش امواج است تا بعد چه شود.

اگر قصد دارید لطفاً کاسه و بشقاب و قابلمه و پالتو را با خود همراه بیارید اگر ندارید شرح حال خود و اوضاع آنجا را به من بنویسید اگر کاغذی برایم فرستاده اند خدای نخواستہ پولی آمده است، بگیریید بفرستید.. آقای شریعت تقاضا داشتند کتاب ملا نصرالدین را در موقع مسافرت با خود بیاورید و نیز می گفتند اگر آنجا کتاب شیخ اسدالله تستری در اجماع (که اسمش فعلاً به خاطر من نیست) پیدا شود برایشان بخرید.

این نامه در منزل حضرت آقای عزالدین با قلم و حبر و قرطاس ایشان سمت تحریر یافت.

وکان ذالک فی ثمان مضینی من شهرالرجب ۱۳۶۲ مخلص و دوست وفادار شما عباس خوئی

اشراقی عزیزم

مرا از این که دیر به خدمتتان عرض ارادت می

کنم معذور دارید. با همه علاقه و محبت قلبی که نسبت به حضرتعالی دارم، حس تسامح و تعلل خود را اعتراف می کنم. حال من الحمدالله خوب است بیشتر اوقات ذکر خیر شما با آقای شریعت و آقای غیائی و آقای بدیع الزمان مطرح می شود همگان به فضائل و اخلاق شما معترف و علاقمند هستند. چندی است که به ترجمه و تحشیه کتاب فرق الشیعه نوبختی، بنا به امر آقای شریعت مشغول گشته ام و ایشان در نظر دارند که بلافاصله پس از اتمام به چاپ برسانند اگر انشاءالله موفق گشتیم.

آقای شیخ صادق اردبیلی فرمودند که شما به ایشان اظهار فرموده اید مبلغی پول توسط یک نفر فرستاده اید، ولی متأسفانه تاکنون به ملاقات چنین شخصی نائل نیامده ام البته بر حضرتعالی است که تعقیب فرمایید و نتیجه را اطلاع دهید. در کتابخانه دانش کتابیست به اسم «الاشباه والنظائر» تألیف جلال الدین سیوطی علامه شهیر در قواعد فقه بسیار کتاب متع و مفیدی است یک نسخه از آن را آقای شریعت خریدند دو نسخه دیگر هنوز هست اگر رایتان تعلق گرفت برای شما می خرم و قیمتمش ۹ تومان است البته هر چه زودتر از حالات خود مرا مطلع سازید که سخت نگرانم.

مخلص شما / عباس خویی

این بود کل نامه های زنده یاد دکتر عباس زریاب خوئی، به مرحوم آیت الله شیخ جعفر اشراقی که «بازخوانی» آن ها برای تایپ!، کلی وقت و همت! می خواست که بحمدالله حاصل شد.. و ای کاش نامه های مرحوم اشراقی به عباس زریاب هم در بین اوراق ایشان پیدا شود و به دست چاپ سپرده شود.

سید هادی خسروشاهی

پی نوشت:

۱. مرحوم آیت الله سید محمد کاظم شریعتمداری
۲. مرحوم آیت الله حاج میرزا رضی زنوزی
۳. مرحوم آیت الله آقا شیخ مرتضی حائری
۴. این نامه طبق تاریخ روی پاکت، در سال ۱۳۱۷ش تحریر شده و از قم به تبریز ارسال شده است
۵. تاریخ مندرج در مهر اباطال تبریزی پاکت ۱۳۱۷/۸/۲۶
۶. مراد مرحوم حضرت آیت الله سید عزالدین حسینی زنجانی از مراجع معاصر است

اسلام، قرآن و مراجع دینی می خواهند زنان ما شخصیت شان حفظ شود

آیت الله طالقانی: حجاب اسلامی ساخته فقیه نیست نص صریح قرآن است

که گفته امام خمینی با علمای دین این است که اینها توی خانه هایشان بروند توی خور باشند و مهجور بمانند، ولی خطری که ما حس می کنیم این است که آنها را دوباره به ابتذال بکشاند.» آیت الله طالقانی سپس به ضرورت حجاب زنان اشاره کرد و افزود: «این حجاب اسلامی یعنی حجاب وقار، حجاب شخصیت، ساخته من و فقیه و اینها هم نیست، نص صریح قرآن است، آیه حجاب برای شخصیت دادن به زنان است، شخصیت انسانی و ملی اش در کشورهای ما، اگر ما می خواهیم سرتاپا مقلد باشیم، خوب بشویم، اما اگر بخواهیم همان طور که به خودمان برگشتیم، به خودمان رجوع کردیم، به فرهنگ خودمان می خواهیم برگردیم و قدرت مان می خواهیم از خودمان باشد، استقلال ما باید از خودمان باشد، سنت های خودمان را باید زنده کنیم. آیا این مانع از آن است که کاراداری داشته باشند؟ نه، مانع از این است که کار فرهنگی داشته باشند؟ نه، به شرطی که در راه خدمت باشد، ما، اسلام، قرآن و مراجع دینی می خواهند زنان ما شخصیت شان حفظ بشود. اصل مساله این است که هیچ اجباری هم در کار نیست و مساله چادر هم نیست.»

اصالت است. اگر یک کشوری بخواهد مستقل باشد، معنایش این نیست که فقط دروازه هایش را محدود کند روی دنیا، این است که سنتش را حفظ کند، معارف را حفظ کند، شخصیت ها را حفظ کند. این است معنای استقلال واقعی، متأسفانه این نحوه بی حجابی که در این سال ها، سالیانی که از زمان رضاشاه تا به حال پیش آمده بر اکثر زن های مسلمان ماحتمیل شده است. این را باید بدانند ما نمی خواهیم بگوییم که زنان به ادارات نروند و هیچ کس هم نمی گوید که زنان یک عضو فعال اجتماع ما هستند، به خصوص زن های مادر چنین مرحله ای از انقلاب.» آیت الله طالقانی آنگاه با اشاره به مبارزه های زنان ایران در انقلاب اسلامی ایران گفتند: «این روح انقلابی در بین زن های ما باید حفظ بشود و باید اینها همیشه این روح انقلابی را داشته باشند و این منوط به این است که زن های ما به آن تجمل پرستی ها و به آن ابتذال هایی که کشانده شده بودند، برنگردند. اصل مطلب این است، نباید هم برگردند، اگر این انقلاب باید ادامه پیدا کند، وقتی ما این اصل را در نظر بگیریم، می دانیم خطری که خانم ها حس می کنند، خیال می کنند

گروه اعم از زن و مرد است بپذیرند و تصور نکنند که اگر مساله ای را ایشان مطرح کرده اند خدای نخواستہ به زیان و ضرر و نادیده گرفتن حقوق، چه زن و چه دیگر طبقات است.

اگر بخواهیم مساله حجاب را از جهت اسلامی و ملی بحث کنیم، یک مساله سنتی و تاریخی است که در عمق تاریخ ما و تاریخ شرق همیشه زن های ما دارای یک نوع حجاب بوده اند.

حجاب به معنای عافش و نه مخصوص به چادر و وضع خاص. یعنی حفظ عفاف و وقار و شخصیت زن همیشه در ایران و کشورهای شرقی اسلامی و غیراسلامی بوده، شما ملاحظه می کنید که زن های هندوستان با اینکه مسلمان نیستند، برای حفظ سنت اصیل ملی خودشان اکثراً دارای یک حجاب و سرپوشی هستند که مظهر کامل زنان مترقی و مدبر و سیاستمدار شرق خانم گاندی است.

اشتباه می کنند خانم های ما که اگر یک روسری روی سرشان بگذارند، اینها از حیثیت آنها کم خواهد شد و از شخصیت شان کاسته خواهد شد. نه، بلکه از این جهت که قطع نظر از مسلمان بودن حافظ سنت شرقی هستند و این سنت شرقی

روزنامه «آیندگان» یکشنبه ۲۰ اسفندماه ۱۳۵۷ نوشت: «درحالی که شایعه سازان ذهن زنان ایران را مشوش کرده اند که حجاب بهانه ای برای اخراج آنان از اداره هاست، آیت الله طالقانی اعلام کرد که ما نمی خواهیم بگوییم زنان به ادارات نروند و هیچ کس هم نمی گوید.

آیت الله طالقانی همچنین حجاب اسلامی را حجاب وقار و حجاب شخصیت توصیف کرد. آیت الله طالقانی گفت: «مسلمانان هم به مصلحت زنان ما و خواهران و دختران ما و هم مطابق با موازین اصول دین مبین اسلام است. هم ایشان و هم ما در این حرکت انقلابی همیشه نسبت به این سهم بزرگی که زنان ما در این انقلاب داشته اند، قدردانی کرده ایم و واقعا هم سهم بزرگی دارند و در این حرکت تاریخی باید نام اینها در این فصل تاریخی مثل اوایل مشروطیت در تاریخ ما ضبط و ثبت بشود.

وقتی همه این ملت اعم از زن و مرد حضرت آیت الله العظمی خمینی را یک پدر رؤف و مهربان و فداکار برای نجات این مملکت و ملت می دانند، قطع نظر از مسائل دیگر واجب است که نصایح و راهنمایی های ایشان را که به خیر هر طبقه و هر

حجت الاسلام والمسلمین سید محمد علی شهیدی - رئیس بنیاد شهید

تجربیات دوران شکل گیری و پیروزی انقلاب اسلامی و حدود چهار دهه تحولات مختلف پس از انقلاب نشان می دهد که فرهنگ ایثار و شهادت نقش جدی در تحکیم همبستگی اجتماعی و حفظ استقلال و امنیت ملی کشور دارد.

و با وجود تغییرات گسترده در شرایط اجتماعی و اقتصادی کشور، نقش این فرهنگ و روحیه ایثار و مجاهدت شهدا برای حفظ استقلال و امنیت ملی کشور همچنان پررنگ است و از طرفی دیگر، نیاز به ترویج فرهنگ ایثار در حوزه اجتماعی برای حل مشکلات اجتماعی و اقتصادی کشور نیز بخوبی احساس می شود. امروزه می توان با تاسی از اخلاق و رفتار شهدا و نهادهای کردن آنها در سطح جامعه برای بهبود شرایط اجتماعی و تعالی اخلاقی نسل جوان استفاده کرد.

با این تجربیات درمی یابیم که فرمان امام خمینی(ره) در ۲۲ اسفندماه ۱۳۵۸ برای تأسیس بنیاد شهید انقلاب اسلامی به منظور خدمات رسانی به خانواده معظم شهدا و ایثارگران و نیز ترویج فرهنگ ایثار و شهادت نشان از عمق نگاه استراتژیک امام خمینی(ره) به نقش پرارزش فرهنگ ایثار و شهادت دارد؛ چراکه این فرمان در شرایطی که هنوز توطئه های متعدد گروهک های وابسته به استکبار جهانی و حمله عراق به ایران

صورت نگرفته بود، صادر شد و پس از آن نیز با تکیه بر همین فرهنگ ملت ایران در برابر تمامی فشارهای دشمنان خارجی و تحریم های ایستادگی کرد و راه پیشرفت ایران اسلامی در حوزه های مختلف علمی و صنعتی باز شد، کما اینکه ترور دانشمندان هسته ای کشور از جمله شهیدان دکتر علی محمدی، شهریاری، رضایی نژاد و احمدی روشن بیانگر تداوم راه شهدای انقلاب اسلامی و دفاع مقدس به شیوه دیگر است.

در چندسال اخیر با گسترش فعالیت جبهه مقاومت در مقابله با جریان تروریستی- تکفیری داعش که با تقدیم شهدای مدافع حرم، حفظ امنیت ایران اسلامی را تضمین کرد، ضرورت نهادینه کردن فرهنگ ایثار و شهادت و ادامه راه شهدا بخوبی نشان داده شد. نامگذاری ۲۲ اسفندماه به عنوان «روز بزرگداشت شهدا» با پیشنهاد شورای فرهنگ عمومی و تصویب شورای عالی انقلاب فرهنگی در سال ۱۳۸۳ هم در واقع تأکیدی بر جایگاه شامخ شهیدان و نقش فرهنگ ایثار و شهادت در جامعه است.

در ۴ سال گذشته بنیاد شهید و امور ایثارگران به منظور شناساندن این روز به افکار عمومی و افزایش شناخت ملت شهید پرور ایران اقدامات گسترده ای در پیش گرفت که طبعاً چنانچه مردم بزرگ ایران از نامگذاری این روز مطلع باشند به طور خودجوش از تمام روستاها، شهرها و محلات برای «بزرگداشت روز شهدا» اقدام می کنند. کما اینکه هم اکنون نیز شاهد قدرشناسی ملت ایران از مقام شهدا هستیم.

در نظرسنجی های انجام شده شناخت مردم از

تحلیل سخنان اخیر دبیرکل حزب الله لبنان

اسرائیل در خطر است

بزرگ شده را در همه ابعاد آن در مقابل سلطه و نفوذ مقاوم سازند. این همان نکته ای است که ابو شهید سید حسن نصرالله بر آن تأکید کرد که «مردم کسانی را انتخاب کنند تا کشور را به امریکا و نفت را به اسرائیل نفروشد و علیه مقاومت توطئه نکنند و اقتصاد لبنان را درمان کنند.»

تردیدی نیست جریان سلطه و نفوذ چون گذشته از ابزار پول استفاده خواهد کرد و پول هنگفتی را به لبنان سرازیر خواهد کرد. پولی که وظیفه اش تغییر آرای مردم به سمت وابستگان به محور غربی، عبری و عربی است. اما این سوال مطرح است؛ آیا لبنان کنونی همان لبنان قدیم است؟ آیا مردم فعلی لبنان حاضرند عزت را به ذلت بفروشند؟ لبنانی که زمانی عشرتکده شیوخ خلیج فارس بود و در حضيض و ذلت، اینک به برکت مقاومت عزیز امت است. عزتی که البته آسان بدست نیامده است و ملت لبنان هزینه سنگینی بابت آن پرداخت کرده است؛ خون جوانان لبنان.

اینک زمان چیدن میوه بذری است که ملت لبنان در سال ۱۹۸۲ در زمان اشغال کشور توسط صهیونیست ها کاشته است. بذر مقاومت لبنان در شرایط اشغال کاشته شد و با خون جوانان مقاوم لبنان آبیاری شد و توانست در گام اول با همدلی مردم لبنان، دشمن صهیونیستی را تا کمربندی امنیتی جنوب عقب براند. در گام دوم کمربند امنیتی را هم در سال ۲۰۰۰ از اشغال دشمن آزاد ساخت. در جنگ وعده صادق (۳۳ روزه) در سال ۲۰۰۶ ابهت مصنوعی اسرائیل را درهم شکست و اینک هراس از اسرائیل در لبنان یک لطیفه مضحک است.

مقاومت لبنان در حال حاضر یک بازیگر بزرگ است. یعنی لبنان یک بازیگر بزرگ در منطقه است. بذر مقاومت ثمره ای بزرگ داده است و آن مقاومت است و حفظ این ثمره برای شکوهی که ملت لبنان در انتظار آن است؛ یک ضرورت است. این حق مردم

«روز بزرگداشت شهدا» با توجه به اقدامات تبلیغی و اطلاع رسانی صورت گرفته از سال ۱۳۹۲ تاکنون روند افزایشی داشته و از کمتر از ۲ درصد به حدود ۵۰ درصد رسیده و امسال نیز در جهت بزرگداشت این روز اقدامات متعددی در سراسر کشور صورت گرفته یا در حال انجام است. شهدای ما که امنیت، استقلال و شکوه امروز نظام و جامعه ما مرهون ایثار و از خود گذشتگی آنان است مایه افتخار هر ایرانی هستند.

از این رو وظیفه ماست که یاد شهدا و خانواده معظم شهدا و ایثارگران را همیشه ایام گرامی بداریم چنانکه رهبر معظم انقلاب می فرماید: «بزرگداشت شهیدان و تکریم نام آن بزرگمردان، بیش از خود آنان، ملتی را که این گوهرهای ناب را در درون خود پرورانده است، سرافراز می سازد.» همانگونه که اشاره شد گسترش فرهنگ ایثار و ایثار اجتماعی نیاز جامعه امروز هم هست.

باید بدانیم مفهوم ایثار فقط مربوط به دوران جنگ و جبهه نیست و امروز جامعه ما بیش از گذشته به این مفاهیم و معرفی مصادیق آن و به کارگیری آن در زندگی فردی و اجتماعی نیازمند است، چرا که امروز دشمن به صورت پنهانی و با استفاده از شیوه های مختلف نرم افزاری سعی در تضعیف فرهنگ اسلامی و انقلابی و مشغول سازی نسل نوجوان و جوان به فرهنگ مادی و پوچی گرایی دارد.

ما باید فرهنگ ایثار و شهادت را در اذهان جوانان و نوجوانان خود نهادینه کنیم و سبک زندگی شهدا و ایثارگران معظم و شیوه رفتاری شان را بدرستی معرفی نماییم.

باید از تمام ظرفیت ها برای گسترش فرهنگ ایثارگری بهره برد، چراکه فرهنگ ایثار و شهادت

لبنان است که از محصولی که بذر آن را خود کاشته و با خون جوانان خود پرورشش داده اند، برخوردار شوند. میوه ای شیرین و پر شکوه به نام مقاومت. پس طبیعی است که کمترین انتظار از مردم لبنان در انتخابات پیش روی، گزینش افرادی است تا اجازه ندهند کسانی مانند رکس تیلرسون، وزیر امور خارجه امریکا در لبنان مقاوم و در خانه مقاومت، به مردم لبنان توهین کند و علیه میوه دل لبنان یعنی مقاومت لبنان سخن بگوید و خواستار خلع سلاح آن شود!!!

چراپی اینک رکس تیلرسون و دیگر مسئولین امریکایی و برخی از مسئولین رژیم های عربی علیه مقاومت شدیداً فعال شده اند، چندان پنهان نیست. «اسرائیل در خطر است.» رژیم صهیونیستی امروز در ضعیف ترین و آسیب پذیرترین شرایط خود از زمان تحمیلش بر منطقه قرار دارد؛ اسرائیل تعریف و ایجاد شده است تا به نیابت از جریان سلطه، جنگ و ناامنی را در منطقه مدیریت کند. اما اسرائیل سال هاست در اجرای این وظیفه ناتوان شده است. از این روی امریکا راسا وارد میدان شده است. اشغال افغانستان و عراق در همین چارچوب انجام گرفته است. امریکا به عنوان رهبر جریان سلطه به منطقه لشکر کشیده است تا هم راسا از آنچه که منافع امریکا می نامد، دفاع کند!! و هم بنوعی پایگاه سلطه در منطقه را از خطر برهاند. اما اینک خود گرفتار باتلاقی شده که خروج از آن بسیار پر هزینه و سخت است.

اسرائیل از درون نیز رنجور کرم خورده است. فساد اداری در عمق جانش نشسته است. پرونده موسوم به ۴۰۰۰ تانیا هو یک نمونه در جریان آن است. نمونه ای که در میان مسئولین سابق رژیم صهیونیستی مانند موشه کاتساف، ایهود اولمرت، گابی اشکنازی نیز بارها دیده شده است.

اسرائیل در سطح نظامی نیز با بحران روبرو است. نا کامی های نظامی از سال ۲۰۰۰ و خصوصاً

شهدا، افزایش سرمایه اجتماعی و حفظ امنیت ملی

باعث گسترش روحیه برادری، دیگرخواهی، افزایش اعتماد، مشارکت عمومی، همکاری، از خود گذشتگی و... می شود، به نوعی سرمایه اجتماعی را در سطح جامعه افزایش می دهد و باعث می گردد بسیاری از آسیب های فردی و اجتماعی که امروز جامعه ما با آن مواجه است کاهش یابد و به تقویت کارآمدی نظام و انسجام بیشتر کمک خواهد کرد.

لذا ما باید از تمامی ظرفیت ها استفاده نماییم تا این فرهنگ و روحیه را در جامعه تقویت و بویژه این فرهنگ سازی را از دوران کودکی در فرزندان نهادینه کنیم. خانواده ها، آموزش و پرورش، دانشگاه ها، رسانه ها، حوزه های علمی، ائمه جماعات و... همه باید در زمینه نهادینه سازی و گسترش این فرهنگ به شیوه مورد نیاز نسل امروز قدم بردارند.

در طی چهار سال گذشته براساس ماده ۶۴ قانون جامع خدمات رسانی به ایثارگران شورای عالی توسعه و ترویج فرهنگ ایثار و شهادت با حضور ۱۷ دستگاه فرهنگی و اجرایی تشکیل و دبیرخانه آن با پیگیری مستمر نسبت به تشکیل این شورا در سطح همه استان های کشور با ریاست استانداران و دبیری مدیران کل بنیاد شهید و امور ایثارگران اقدام کرده است.

این اقدامات هرچند لازم است اما نیاز به همت جمعی همه مسئولان و بهره گیری از ظرفیت های مردمی و رسانه های جمعی دارد تا بتوانیم با ترویج فرهنگ ایثار و شهادت برای بازسازی روحیه ایثار در رفتار اجتماعی شهروندان به تحکیم همبستگی اجتماعی کمک کنیم و نیز روحیه مقاومت در برابر دشمنان را برای حفظ استقلال و امنیت ملی گسترش دهیم.



شکست های مستمر در چهار جنگ اخیر علیه لبنان غزه و شکست ابهت جنگنده شبخ و تانک مرکاوا و اخیراً جنگنده F۱۶ روایتگر بحرانی عمیق در ساختار نظامی اسرائیل است.

ساختار اجتماعی رژیم صهیونیستی نیز بحران زده است. جامعه صهیونیستی به تبعیض شدید، فساد گسترده و فقر فراگیر شدیداً اعتراض دارند. در سال ۲۰۱۲ در اعتراضات سراسری ۱۳ نفر خودسوزی کردند. اعتراضاتی که برای وضعیت معیشتی و تبعیض شروع شد و چندین ماه استمرار داشت و حکایت کننده عمق بحران در جامعه صهیونیستی است.

«اسرائیل در خطر است.» این تمام پیام امریکا در طراحی توطئه جدید علیه محور مقاومت در سطح منطقه است. امریکا می خواهد اسرائیل را از خطر نابودی یا همان «محو اسرائیل از صفحه روزگار» نجات دهد. توطئه ای که تنها با نقش آفرینی خائنانی از جوامع عربی و اسلامی (مانند نشست ریاض با ترامپ) می تواند به موفقیت آن امید داشته باشد. مباحث مربوط به معامله قرن و پایتختی قدس برای اسرائیل و انتقال سفارت امریکا از تل آویو به قدس و توهین بزرگ تیلرسون به ملت لبنان در بیروت مبنی بر خلع سلاح مقاومت لبنان در همین چارچوب انجام گرفته است. براین اساس بیراه نیست گفتن این سخن که مردم مقاوم لبنان در آستانه یک آزمون بزرگ قرار دارند. زیرا همانطور که سید مقاومت تأکید دارد: «آمریکایی ها پس از شکست همه ابزارهای منطقه ای خود بار دیگر با توطئه هایی جدید به منطقه بازگشته اند و لبنان و خاورمیانه به سوی چالش های بزرگی در حال حرکت است.»

آیت الله اراکی:

حضرت فاطمه (ع) محور و اساس تطهیر بیت خاندان عصمت و طهارت است

آیت الله اراکی دبیرکل مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی با حضور در همایش زن پرورش دهنده جامعه پاک که به همت اداره کل امور بانوان مجمع جهانی تقریب برگزار شده بود به ایراد سخنرانی پرداخت.

تنا: آیت الله اراکی با اشاره به جایگاه شخصیت حضرت زهرا(س) در ساختن جامعه اسلامی گفت: درباره مقامات معنوی حضرت زهرا(س) سخنان زیادی گفته شده اما این حرفها کمتر از آن چیزی است که درباره مقام ایشان است.

عضو مجلس خبرگان رهبری اظهار داشت: بحث روی این نیست که همه افراد خوب می شوند بلکه بحث روی جامعه صالحه است که شخصیت کلان آن، انسان متقی است. امام رأس این جامعه و همه افراد اعضاء چنین جامعه ای هستند که شخص واحد شکل می گیرد، اما شخص جامعه کلانی که دارای قلب واحد است که فعل او واحد است و این همان هدف از ارسال انبیاء الهی است.

استاد سطوح عالی حوزه افزود: جامعه قسط به معنای حب واحد، عدل واحد و بغض واحد است. این ها مشخصه جامعه کلان و واحد است که رهبری آن را امام به عهده می گیرد و این به عواملیو تکالیف و راهکارهایی وابسته است.

دبیر کل مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی عنوان کرد: اما راهکار جامعه سالم این است که خدا افرادی را برای تحقق چنین جامعه ای گزینش می کند. این گزینش در مرحله ای فردی و مراحل بعد خانوادگی بوده است.

عضو مجلس خبرگان رهبری اظهار داشت: گزینش خانوادگی مانند خانواده حضرت ابراهیم(ع) بوده است که نسل به نسل منتقل شده است. البته دو نسل که یکی پیمان شکن شد و آن نسل پیمان شکن نسل بنی اسرائیل است که خدای متعال در سوره مریم(س) اشاره می کند و به همین دلیل پیمان شکنی، امامت از آنها گرفته شد و به آل اسماعیل داده شد.

وی در ادامه افزود: اما نسل دیگر حضرت اسماعیل است. حضرت ابراهیم و اسماعیل بنا کننده خانه خدا می شوند. این اشاره به این است که امامت در ذریه حضرت اسماعیل محقق می شود که او پیامبر(ص) است. این گزینش خانوادگی است و تا روز قیامت ادامه دارد.

آیت الله اراکی گفت: اما این خانواده گزینش شده براساس تطهیر است. هر جا کلمه پیرید در قرآن آمده، سنت مستمر است. این آل البیت پاک شده اند، این پاک شدن محدود به زمان و خانواده واحد نیست بلکه منظور خانواده جامعه است این یعنی تطهیر از خانواده به جامعه سرایت پیدا می کند و خواهد کرد.

وی اظهار داشت: هدف آنها تربیت و تطهیر جامعه آرمانی است و نتیجه تطهیر این است که درخانه حضرت علی(ع) و فاطمه(س) چشمه ای می جوشد که همه را تطهیر می کند و مرکز این خاندان حضرت زهرا(س) می شود.

آیت الله اراکی در پایان با اشاره به جایگاه حضرت فاطمه (س) گفت: حضرت فاطمه (س) محور و اساس تطهیر بیت خاندان عصمت و طهارت است و براساس این بیت، پاکی به جامعه سرایت می کند.

رئیس دانشگاه مذاهب اسلامی:

دانشگاه مذاهب اسلامی بهترین دلیل بر صحت ادعای ایران در زمینه وحدت

راهیتی از علما و استادان برجسته دانشگاه ها و مراکز علمی و دینی پاکستان با حضور در دانشگاه مذاهب اسلامی با دکتر مختاری رئیس دانشگاه دیدار و گفت وگو کردند.

تنا: در این دیدار که مولوی نذیر احمد سلامی عضو مجلس خبرگان رهبری و از علمای برجسته اهل سنت استان سیستان و بلوچستان نیز حضور داشت، حجت الاسلام والمسلمین دکتر مختاری در این دیدار ضمن خوشامدگویی به میهمانان به معرفی دانشگاه مذاهب اسلامی پرداخت و گفت: اهمیت این دانشگاه به خاطر همزیستی مسالمت آمیز عملی پیروان مذاهب مختلف در یک فضای علمی است که میان دانشجویان و کارکنان آن که از مذاهب مختلف اسلامی هستند، وجود دارد.

رئیس دانشگاه مذاهب اسلامی در ادامه به تبیین رشته های تحصیلی موجود در دانشگاه پرداخت و نوید اضافه شدن رشته های جدید را داد.

وی ویژگی اصلی فارغ التحصیلان این دانشگاه

را معتدل بودن توصیف کرد که مبنای آن را در تلاشی دانست که دانشگاه در عمل به سیره نبوی دارد.

مختاری با اشاره به وضعیت امروز جهان اسلام بیان داشت: مصیبت امروز جهان اسلام تفکر خشن و افراطی است که به هیچ عنوان انطباق با اخلاق کریمه پیامبر اسلام(ص) ندارد که رحمت للعالمین بودند.

وی دو صفت اخلاق مهرورزی و دلسوزی را در قرآن عامل توفیق پیامبر عنوان کرد.

رئیس دانشگاه مذاهب اسلامی با طرح این سوال که اگر پیامبر اسلام(ص) امروز در میان ما بودند این همه خشونت را تحمل می نمودند؟ افزود: مگر نه این است که علما وارثان پیامبرانند پس باید در برابر این افراطی گری ها و تفکرات تکفیری و خشونت و کشته شدن انسان های بی گناه نقش آفرینی کنند و ساکت نباشند و در تنویر افکار عمومی به ویژه نسل جوان تلاش نمایند.

مختاری تاکید کرد: دشمنان اسلام، نه شیعه را

دفاع از قدس، دفاع از تمام ادیان آسمانی است

دفاع کند، درس انسانیت به همه جهانیان خواهد داد، ادامه داد: تصمیم ترامپ از پیش آماده شده بود و مسئله امروز نبوده است.

وی با اشاره به اینکه برخی از حکام کشورها از جرأت کافی برای اقرار این مسئله برخوردار نیستند، خاطرنشان کرد: موضع برخی کشورهای عربی و اسلامی در راستای عادی سازی روابط با رژیم صهیونیستی است و رژیم صهیونیستی نیز خود به این مسئله اشاره کرده است که: «ما به وسیله قدرتمان بر عرب ها پیروز نشده ایم بلکه به دلیل تفرقه و چند دستگی، بر آنها پیروز شده ایم».

شیخ کتمتو خاطرنشان کرد: نهایت آگاهی سیاسی ترامپ آن است که وی یک فرد تاجر است و گمان می کند هر زمان اموالی داشته باشد، می تواند قدرت خود را بر دیگران تحمیل کند. ترامپ به مسئله قدس

نایب رئیس اتحادیه علمای بلاد شام تأکید کرد: تصمیم آمریکا برای انتقال سفارتش به قدس اشغالی در روز نکبت، بیانگر آن است که آمریکا هیچ گاه از حمایت رژیم مسخ شده اسرائیل بی نیاز نیست.

تنا: شیخ عبدالله کتمتو، نایب رئیس اتحادیه علمای بلاد شام، تأکید کرد: قدس در طول تاریخ برای عرب ها و مسلمانان معانی بسیاری داشته است و همه می دانند که قدس دربردارنده آثار باستانی اسلامی و مسیحی و مهد پیامبران است، بنابراین دفاع از قدس، دفاع از ادیان آسمانی است. وی افزود: هیچ انسان مسلمان و غیر مسلمانی در هر جای جهان نمی تواند ندای قدس را نشنیده بگیرد و هرکس که از این مسئولیت شانه خالی کند، با بحران شدیدی مواجه خواهد شد.

شیخ کتمتو با تأکید بر اینکه «هرکس از قدس

عنصر اصلی اتحاد و تقریب، اراده ملت های مسلمان است

در جهان بین خدا و ابلیس و جیش خدا و ابلیس و جیش ابلیس است. ما باید ببینیم شیطان در کدام سمت و جهت است و جنود خدا کجایند؟

مدیر مرکز گفتگوی مذاهب اسلامی با اشاره به آیات قرآن کریم در این مورد اظهار داشت: در قرآن کریم اعداء الله یهود اند. چرا آنها را عدو نمی گیریم. ما حتی نمیتوانیم در واقع در ظاهر چیزی داشته باشیم و بعد در قلمبان چیزی دیگر باشد ما باید امروز را روز معاد ببینیم؟

وی گفت: در روز معاد فقط از الفاظ ما سوال نمی کنند بلکه از نیت هایمان و اعمالمان هم سوال خواهد شد. کدام عمل در این زمان بهتر از ایجاد وحدت امت اسلامی است؟ زیرا این است که سبب حفظ دم و اعراض مسلمین است و موجب حفظ این روایت نبوی است که الاسلام یعلو ولا یعلی علیه؛ اما امروز کانه این روایت در میان ما مسلمانان مرده است. و واقعا این درد است چرا ما خود را مشغول شبهات بیپوده می کنیم؟ والله قرآن شیعیان با قرآن اهل سنت یکی است.

حجت الاسلام والمسلمین نگهبان افزود: در زمانی یکی گفته که در قرآن تحریف شده ولی الان همه علمای شیعه بالاتفاق می گویند قرآن تحریف نشده. تکفیر یگدیگر اشتباهی بوده که برخی از اسلاف کرده اند.

وی با اشاره به ضرورت وحدت مسلمانان تأکید کرد: اگر نبی اسلام الان بود آیا حکم به تکفیر فردی می کرد که همه شهادت اسلام را می گوید؟ جمع و

تنا: حجت الاسلام والمسلمین دکتر ابوالحسنی معاون پژوهشگاه مطالعات تقریبی ضمن ابراز خرسندی از ورود جمع حاضر به ایران، در خصوص ریشه ای ترین عنصر وحدت، به ایراد سخن پرداخت. وی عنصر اصلی اتحاد و تقریب را اراده ملت های مسلمان دانست و افزود: اکنون در میان مسلمانان جهان به ویژه عالمان آنها (جز عده معدودی) چنین اراده ای به چشم نمی خورد.

معاون پژوهشگاه مطالعات تقریبی، جهان اسلام را در شرایط کنونی به ساختمان تخریب شده تشبیه کرد و افزود: اگر مهندسان این ساختمان اراده جدی بر تعمیر آن نداشته باشند هیچگاه در بازسازی آن موفق نخواهند بود.

وی با تصریح بر اینکه امروز وهابیت افراطی، هیچ اراده ای بر وحدت و اتحاد ندارد افزود: وهابیت افراطی در عملکرد خود دچار تناقض نیز هست، زیرا از یکسو شیعه را تکفیر می کنند، و از سوی دیگر هماهنگ با برخی از شیعیان افراطی در ماجرای حمله به سفارت ایران در لندن، همدست و همدستان می شوند.

در ادامه حجت الاسلام نگهبان مدیر مرکز گفتگوی مذاهب اسلامی افزود: باید به صورت جدی از خودمان بپرسیم که وحدت و تقریب واقعی و عملی چه شده است؟

وی تأکید کرد: این مرزهای جغرافیایی را چه کسی در کشورهای اسلامی ایجاد کرده است؟ ما دشمن و جنگ واقعی را گم کرده ایم جنگ حقیقی



به عنوان یک قضیه اقتصادی و قدرت مدارانه می نگرد و چه بسا تصمیم اخیرش او را سیاستمداری کم خرد نشان دهد؛ اما این امر نیازمند ثبات موضع

سیاست های عربی و اسلامی و سپس حرکت انسان های آزاده در این کشورها علیه ترامپ است.

نایب رئیس اتحادیه علمای بلاد شام در پایان تأکید کرد: ما به عنوان انسان های عرب و مسلمان، از مردم آمریکا منجز نیستیم بلکه هر زمان که یاور مظلومان باشند، آنها را تکریم می کنیم. از این رو، اگر این وضعیت ادامه داشته باشد، مردم آمریکا بهای حماقت سیاسی ترامپ را خواهند پرداخت.

شمل مسلمانان را بیشتر کنید نه اختلافات را دامن بزنید. ما ادعا نمیکنیم همه حق با ماست ولی می گوییم فکر می کنیم به آنچه رسیدیم درست است و اگر اشتباهی است به ما تذکر بدهید: احب اخوانی من اهدی الی عیوبی. اگر اینطور رفتار نمی کردیم و دشمن از خانه خود برای مسلمانان سلاح نمی فرستاد تا دیگر مسلمانان را بکشند الان اوضاع ما اینگونه نبود.

همچنین حجت الاسلام والمسلمین دکتر مدنی نژاد از اعضای مرکز گفتگوی مذاهب اسلامی به معرفی مجمع جهانی تقریب و مجموعه فعالیت ها و اهداف و دستاوردهای آن پرداخت.

وی میهمانان را با دو نهاد پژوهشگاه مطالعات تقریبی و گروههای علمی موجود در آن و نیز دانشگاه مذاهب اسلامی و زندگی طبیعی و علمی دانشجویان اهل سنت با شیعه آشنا کرد.

وی در پاسخ به سوال یکی از میهمانان در باره فعالیتهای تقریبی مجمع در خارج از کشور به فعالیت های مجمع در لبنان و عراق و روسیه و ... اشاره داشت.

در ادامه یکی از مهمانان ضمن تقدیر از نقش جمهوری اسلامی ایران در وحدت اسلامی اظهار داشت: با این که در ایران شیعیان در اکثریت هستند و اهل سنت اقلیت ولی شما به فکر اهل سنت اید و این جای تقدیر دارد. امروز با افتخار می توان جمهوری اسلامی ایران را به عنوان یک دولت اسلامی معرفی کنیم.

نشریه مرکز بررسی‌های اسلامی

دوهفته‌نامه سیاسی، اجتماعی، فرهنگی

صاحب امتیاز و مدیرمسئول: سیدهدای خسروشاهی

نشانی: قم / خیابان شهدا (مغانیه) / نبش ممتاز

تلفکس: ۳۷۷۴۱۴۲۳ صندوق پستی: ۱۳۶ چاپ: ولیعصر

سایت‌های مرکز

مرکز بررسی‌های اسلامی: www.iscq.ir

استاد خسروشاهی: www.khosroshahi.org

کلیه شروق: www.ketab.ir/shorouh

پست الکترونیکی: besatonline@gmail.com

توسعه مجموعه کتابخانه و موزه ملی مطابق با نیت واقف

ایبنا: آئین تودیع سید محمدمجتبی حسینی و معارفه غلامرضا خواجه‌سروی، مدیرعامل جدید موسسه کتابخانه و موزه ملی ملک، با حضور جمعی از مسئولان و اهالی فرهنگ و هنر در موسسه ملک برگزار شد.

گنابادی‌نژاد، رئیس سازمان فرهنگی آستان قدس رضوی در این آئین گفت: این مکان به همت واقف آینده‌نگر و نیک‌اندیش، حاج حسین ملک پایه‌گذاری شده است. باید از ذکاوت و دوراندیشی واقف برای ایجاد پایگاهی در حوزه فرهنگ و خدمت‌رسانی به مردم به نیکی یاد کنیم. حاج حسین ملک با درایت و آینده‌نگری به این نتیجه رسید که برای استمرار و جاودانگی این مرکز فرهنگی، قالب آن‌را وقف و ضامن آن‌را اهل بیت (ع) قرار دهد. بسیاری از مراکز علمی، کتابخانه‌ها، مراکز آموزشی و بیمارستان‌ها و ... پشتوانه وقفی دارند.

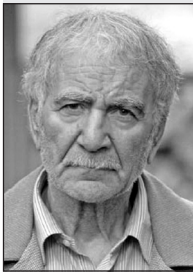
وی افزود: آستان قدس، موقوفات بسیاری را در کشور مدیریت می‌کند که فقط در حوزه کتاب، علاوه بر کتابخانه مرکزی، ۵۲ کتابخانه وابسته با ۳۰ میلیون کتاب از جمله آن‌هاست. یکی از زیرمجموعه‌های موفق آستان قدس، کتابخانه و موزه ملی ملک است که سید محمدمجتبی حسینی به مدت ۱۰ سال با علاقه و اهتمام آن‌را مدیریت کرد.

رئیس سازمان فرهنگی آستان قدس رضوی، بیان کرد: این سنگر امروز به خادم دیگری از خادمان امام رضا (ع) سپرده شده که مدیریت جدید ضمن پاسداشت اولویت‌های گذشته باید در برآوردن انتظارات و انجام کارهای روی زمین مانده و توسعه کمی و کیفی مجموعه اهتمام ویژه داشته باشد.

گنابادی‌نژاد ادامه داد: این ۵۲ کتابخانه باید از لحاظ کیفیت، نوع خدمات‌رسانی، امکانات و فعالیت‌های ویژه ترویج کتاب و کتابخوانی نمونه باشند. امروز وضعیت کتاب و کتابخوانی خوب نیست و شاید خادمان کتاب در مجموعه آستان قدس زیر پرچم امام رضا (ع) بتوانند در این عرصه نقش موثری داشته باشند، اما گذراز موانع و آسیب‌های موجود نیاز به خلاقیت و روحیه و مدیریت جهادی دارد.

غلامرضا خواجه‌سروی، مدیرعامل جدید موسسه کتابخانه و موزه ملی ملک نیز در سخنانی کوتاه، اظهار کرد: از حسن اعتمادی که مجموعه آستان قدس، تولیت آستان و مسئولان حوزه فرهنگ کشور برای سپردن این مسئولیت به من داشتند، تشکر می‌کنم. امیدوارم بتوانم در خدمت امام رضا (ع)، گام‌های موثر در عرصه فرهنگ و براساس سیاست‌های تدوین شده در مجموعه آستان قدس رضوی بردارم.

وی افزود: امیدوارم با عنایت پروردگار و امام رضا (ع) بتوانیم این مجموعه را مطابق آنچه نیت واقف بوده، بیش از پیش به‌عنوان یک مجموعه فرهنگی خوش‌نام در سطح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی مطرح کنیم.



نیز سخن به میان آورد و گفت: این شاعر خوش ذوق در این کتاب وصف شب را در مناسبت با کوه و دریا یا عبادت و صحرا نوشته است و در این میان به موضوع «شب و علی» یاد می‌کند.

وی به نقل از لطف الله زاهدی یکی از دوستان استاد شهیار گفت: شبی به منزل شهیار رفتم درحالی که فریادی می‌زد «یا علی به فریادم برس» و زمانی که پرسیدم چه شده، گفت که در دریای خیال غرق شده بودم و دست و پا می‌زدم و تو نجاتم دادی.

نویسنده کتاب «ساحت سخن» به نقل از شهیار در کتاب «شب و علی» گفت: شب، علی دید و به نزدیکی دید، گرچه او نیز به تاریکی دید. شبروان مست ولای تو یا علی، جان عالم به فدای تو یا علی» وی به ابیاتی از مثنوی مولوی در پاسخ به عشق ابن ابی الحدید استناد کرد و گفت: ای تو آب زندگانی «فاسقنا»، ای تو دریای معانی «فاسقنا»، ماسبوهای طلب آورده‌ایم، سوی تو ای خضر ثانی «فاسقنا».

این استاد دانشگاه جامعه امروز را نیازمند این عطش دانست که کمتر مورد توجه قرار می‌گیرد و تأکید کرد: باید به در خانه علی برویم و کشکول گدایی را سوی آن حضرت دراز کنیم.

معرفی کتاب‌های رونمایی شده

کتاب نهج البلاغه امیرالمومنین؛ ترجمه و شرح نکته‌ها به قلم اسماعیل منصوری لاریجانی از سوی شرکت چاپ و نشر بین الملل و زیر نظر شورای نشر موسسه حکمت علوی در هزار و ۵۰۰ نسخه و به قیمت ۶۸ هزار تومان در هزار و ۲۳۳ صفحه منتشر شد.

دیگر کتاب این نویسنده به نام حکمت علوی در ۵۰۰ نسخه و به قیمت ۵۰ هزار تومان در ۵۹۹ صفحه به همت شرکت چاپ و نشر بین الملل منتشر شده و در چند فصل به مباحثی همچون حکمت و معرفت، سیر حکمت علوی، حکمت علوی و آرای برجستگان فلسفه اسلامی و همچنین حکمت علوی و آرای عرفای اسلامی می‌پردازد.

چهره ماندگار فلسفه:

حضرت علی علیه السلام سبیل عقلانیت در اسلام است

هیچ کتابی به عقلانیت قرآن نمی‌رسد

این عضو هیات علمی دانشگاه با بیان این که در تورات و انجیل سخنان بسیاری آمده ولی اوج عقلانیت در قرآن آمده، اظهار داشت: هیچ کتابی مانند قرآن در جهان، عقلانی نیست.

وی از استاد خود مرحوم علامه سیدمحمدحسین طباطبایی به عنوان مفسری یاد کرد که در تفسیر المیزان، آیات را با آیات دیگر تفسیر می‌کرد و به روایات نیز اشاره داشت و اگرچه تفاسیر بسیاری نوشته شده ولی تفسیر علامه، حکیم بود و عقل نقش بسیاری در این تفسیر دارد.

حضرت علی (ع) سبیل عقلانیت است

این استاد فلسفه و حکمت با اشاره به این روایت نبوی که «ای علی! وقتی که می‌بینی مردم با انواع نیکوکاری‌ها به آفریننده‌ی خود تقرب می‌جویند، تو با تعقل‌های گوناگون به او تقرب بجو» گفت: هرچه می‌توانید در راه معرفت عقلانی بکوشید

وی افزود: موضوع قرب یک مساله زمانی و مکانی نیست بلکه معرفتی است و قرب به خدا یک قرب عقلانی است. بنابر این حضرت علی علیه السلام سبیل عقلانیت اسلام است.

ابراهیمی دینانی تأکید کرد: کلام حضرت امیر دارای اعجاز است و کافی است چند خطبه یا حکمت نهج البلاغه را با سخنان دیگران مقایسه کنید تا به اعجاز کلام آن حضرت پی ببرید.

کلام امیر، نعمتی در دست بشر

وی با تجلیل از تلاش‌های اسماعیل منصوری لاریجانی برای تالیف کتاب‌های شرح و تفسیر نهج البلاغه و حکمت علوی از کلام حضرت علی علیه السلام به عنوان نعمتی در دست بشر یاد کرد که قابل مقایسه با سخنان هیچیک از بزرگان و فیلسوفانی مانند سقراط، ارسطو و افلاطون نیست. این چهره ماندگار فلسفه در عظمت سخنان امیر سخن این بیت را خواند که «کتاب فضل تو را آب بحر کافی نیست، که تر کنم سر انگشت را و صفحه بشمارم» و خاطره‌ای از شهیار بیان کرد.

جان عالم به فدای تو یا علی

ابراهیمی دینانی از کتاب «افسانه شب» شهیار

ایبنا: غلامحسین ابراهیمی دینانی در مراسم رونمایی از کتاب‌های «شرح و تفسیر نهج البلاغه» و «حکمت علوی» تالیف اسماعیل منصوری لاریجانی در سازمان تبلیغات اسلامی، با اشاره به اهمیت قلم در دین اسلام به اولین روایت در کتاب اصول کافی استناد کرد و افزود: منظور از قلم این چیزی نیست که در دست من و شما است.

وی ادامه داد: اولین حدیث در اصول کافی مربوط به عقل است و اولین مخلوق خدا نیز عقل است. بنابر این خدا جهان را بر اساس عقل و آگاهی آفریده و تمام کارهای خدا بر اساس حکمت است و جهان را نیز بر اساس حکمت و آگاهانه آفریده است.

این استاد دانشگاه از واژه آگاهی به عنوان معادل فارسی عقل یاد کرد و با اشاره به آیه ۲۶۹ سوره بقره گفت: به هر کسی که حکمت داده شود، در واقع خیری فراوان داده شده است.

وی در تعریف حکمت نیز از واژه محکم کمک گرفت و گفت: هر کاری را زمانی محکم می‌دانیم که در آن حکمت باشد و حکمت همان عقل است و به جز عقل هیچ موجودی در عالم حکم نمی‌کند. بنابر این خدا حاکم علی الاطلاق است چراکه آگاهی مطلق است. نبوت و خود قرآن کریم هم حکمت است.

عقل همان قلم اعلی است

ابراهیمی دینانی با ذکر آیاتی همچون «افلا تعقلون» و «افلا یتدبرون» به عنوان نمونه‌هایی از صدها آیات قرآن یاد کرد که در اهمیت عقل است و با اشاره به تفاوت‌های تدبر و تعقل گفت: حکمت، ظهور عقل است و کسی که حکیم است، محکم سخن می‌گوید و لذا انسان هیچگاه فانی نمی‌شود. یعنی ممکن است از نظر جسمی نابود شود ولی عقل او از بین نمی‌رود.

وی برای نزدیک کردن ذهن حاضران به فرمول «۲+۲=۴» اشاره کرد و افزود: از آغاز خلقت این فرمول حاکم بوده است. یعنی محدودها از بین می‌رود ولی عدد از بین نمی‌رود. مثلاً گردوهایی را که شمرده‌اید نابود می‌شود ولی عدد چهار هیچگاه از بین نمی‌رود.

۱۱۴ عنوان کتاب از سوی بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس در سال ۹۶ منتشر شد

و «نامه زرین سلامت» با چاپ هشتم در رتبه‌های بعدی قرار می‌گیرند.

ناجی نصرآبادی افزود: همچنین برخی آثار بنیاد پژوهش‌های اسلامی در جشنواره‌ها و همایش‌های کتاب در سال ۱۳۹۶، حائز رتبه شده‌اند که از آن جمله می‌توان «طبقات اعلام - الشیعه: نقباء البشر فی القرن الرابع عشر» تألیف آقابزرگ طهرانی، تصحیح محمد طباطبائی - بهبهانی (منصور) اثر شایسته تقدیر سی و پنجمین دوره جایزه کتاب سال جمهوری اسلامی ایران، «تاریخ قریش» تألیف حسین مونس، ترجمه حمیدرضا شیخی اثر برگزیده کتاب سال خراسان رضوی، «کلام قدسی در هنر بشری؛ جلوه‌های خلاقانه قرآن کریم»، ترجمه جواد قاسمی اثر شایسته تقدیر کتاب سال خراسان رضوی، «دین و سیاست از منظر امام رضا (علیه السلام)»، تألیف رضا وطن دوست برگزیده آثار پژوهشی حوزه علمیه خراسان و «سادات حسینی از آغاز خلافت عباسیان تا شهادت امام رضا (علیه السلام)»، تألیف رضا جعفری نوقاب اثر شایسته تقدیر آثار پژوهشی حوزه علمیه خراسان اشاره کرد.

وی درباره آثار رونمایی شده بنیاد پژوهش‌ها در سال ۹۶ نیز گفت: امسال از ۱۱ عنوان کتاب بنیاد با عنوان‌های «فقه امر به معروف و نهی از منکر» اثر حیدر حب الله، «نقش وقف در ترویج فرهنگ زیارت» به قلم ابوالفضل حسن‌آبادی، «نسخه‌نامه (کانون‌های استنساخ، عناصر نسخه‌شناسی،

ایبنا: محسن ناجی نصرآبادی، معاون پژوهشی و برنامه‌ریزی بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، انتشار ۱۱۴ عنوان کتاب در ۱۷۰ جلد در سال ۹۶ را از دستاوردهای مهم این مرکز پژوهشی در سال ۱۳۹۶ برشمرد.

ناجی نصرآبادی با اشاره به بخشی از مهم‌ترین رویدادها و دستاوردهای این مرکز در حوزه کتاب در سال ۹۶، بیان کرد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی توانست در سال ۱۳۹۶، ۱۱۴ عنوان کتاب را در ۱۷۰ جلد برای علاقه‌مندان کتاب و کتابخوانی به ویژه پژوهش‌های اسلامی منتشر کند. وی گفت: از این تعداد، ۵۹ عنوان کتاب چاپ نخست در ۶۹ جلد و در ۱۶ موضوع به علوم قرآنی، حدیث پژوهی، تاریخ و سیره معصومان و سرگذشت‌نامه‌ها، اخلاق اسلامی، کودک و نوجوان، آداب و رسوم مسلمانان و ادعیه، فقه و اصول، تاریخ و جغرافیا، کلام و عقاید، کلیات، فرق و مذاهب، اسلام و اجتماع، اسلام و روانشناسی، اسلام و هنر، تکنولوژی و علوم کاربردی، اسلام و فلسفه بوده است.

معاون پژوهشی بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس، ادامه داد: کتاب «آداب معاشرت از دیدگاه معصومان (علیهم السلام)» در بین کتاب‌های تجدیدچاپی در این سال به چاپ پانزدهم رسیده و کتاب‌های «هشتاد و هشت کلام از هشتمین امام (علیه السلام)» با چاپ نهم